

## فریادهای شادمان



ناصر فکوهی  
استاد دانشگاه تهران

در اواخر دهه ۱۳۴۰، خانه ما در خیابان مشتاق تقاطع فخررازی سه دقیقه با سردر دانشگاه فاصله داشت. فضای کتابفروشی‌های این محله خیال‌انگیز بود:

گویی وارد نا زمان می‌شدی. درون راهرویی از همه داستان‌ها، همه فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها، سردر دانشگاه تهران، زمین ورزش و دانشکده هنرهای زیبای پشتش مرکز عالمی بودند بر خطی آسمانی که یک سویش تا تئاتر شهر و دانشکده هنرهای تزئینی و سوی دیگرش تا میدان انقلاب می‌رفت: مسیری آرمانی که سال‌ها می‌توانستی در آن قدم بزنی و بیرون نیایی. خانه ما در خیابان مشتاق، پشت‌بامی داشت که وقتی روی آن می‌رفتم، به‌رغم شیب تند و خطرناکی که داشت، زاویه دیگر از این منظره آرمانی را به چشم‌مانم عرضه می‌کرد: نرده‌های سبز دانشگاه و پشت آنها درختان سبز دیگری. از آن فاصله نمی‌توانستم هیچ‌گاه دانشجویان درون دانشگاه را ببینم اما رهگذران خیابان پیدا بودند: خیالی که باید در ذهن تکمیلش می‌کردی. اغلب طرف‌های غروب اوایل دهه ۱۳۵۰ روی این پشت بام می‌رفتم. غروب بود و هوا تاریک، پاییز بود و اندکی سرد، و این رفتن‌ها هم دلیلی داشت. وقتی سروصداهایی مبهم شروع به بلند شدن می‌کردند، غرضی از صداها که می‌فهمیدی فریادهایی هستند: اما مشخص نبود چه می‌گویند: مهم‌های موهوم از صداهایی که مثل یک گروه کر در هم‌آمیخته و هماهنگی زیبایی داشتند اما به‌سختی فهم کلمات نمی‌رسیدند. آنکه بود که روی پشت بام رفتن، رمز را می‌گشود و شعارهای ضد استبداد و برای آزادی دانشجویان را می‌شنیدم. فضای غریبی بود: فضایی آکنده از ترس و عشق و زیبایی. یک درام‌تیزاسیون واقعی که هنرپیشه‌ها را نمی‌دید و فقط صدای شان را می‌شنیدی. ترکیبی از صداها، مردانه و زنانه که برای مان بسیار لذت‌بخش بود. سعی می‌کردم کسی را ببینم اما جز نرده‌ها و درختان پشت‌شان هیچ چیز پیدا نبود. فریادهایی شادمان که نوید آینده‌ای بهتر را می‌دادند و اینکه فضای آرمانی جلوی دانشگاه همه جا را فرا بگیرد، شادی مان کامل بود و خیال‌مان در اوج. سردی هوا را احساس نمی‌کردی و گرمی آزادی وجودت را می‌گرفت. اما گاه‌به‌گاه، به این «سمفونی شادمانی»، صداها دیگر افزوده می‌شد: به هم ریختن صحنه، فریادهای خشمی که جایگزین فریادهای شادی و امید می‌شدند. صدای فلز و چوب و برد و اضطراب و نومی و ناله‌ها و جمعیت‌هایی که به هر سو می‌دویدند... سرانجام سکوتی که از راه می‌رسید و سروصدا دوباره مایشین‌ها و بوق‌های کرکننده‌شان که روزمرگی را بار دیگر بر فضای آرمانی حاکم می‌کرد. حال نمایش به پایان رسیده بود، امیدها نیز همینطور، باید از پشت‌بام به‌زیر می‌آمدم و دوباره غرق رویاهای نوجوانی می‌شدم. غرق شیفتگی‌ام برای آن دختران و پسران زیبا و آثیری که هرگز ندیده بودم‌شان: اما می‌توانستم شادی و شادمانی و امیدشان را در گوشت و پوست خود حس کنم. چنین بود که دانشگاه در ذهن من برای همیشه به‌مثابه مکانی برای آزادی، اندیشیدن و شادمانی حک شد و نه برای نظم و به‌صفت کردن و سر به‌زیر انداختن.



## #دریانوردان ایرانی



Ali Shakourrad  
@alishakourrad

دل‌های همه ما نگران جان و سرنوشت سی هموطن دریانورد #نفتکش\_سانچی است. برایشان دعا می‌کنیم و با خانواده‌هایشان همدلیم. از مسئولین مربوطه بخصوص دکتر ربیعی که از جانب دولت مسئول رسیدگی به ماجرای تصادف دریایی و وضعیت #دریانوردان ایرانی شده است خواستار جدیت بیشتر برای نجات آنان هستیم.



یادداشت #فاطمه معتمدآریا درباره مفقودان نفتکش ایرانی: «نگذارید فاجعه دیگر رخ بدهد»



هانیه افتخاری  
@haniyeh1983

چقدر فاصله درها کم شده. حتی فرصت نمی‌کنیم خودمون رو جمع و جور کنیم.

#دریانوردان ایرانی



Reza Zandi  
@R\_Zandi

خانواده های #دریانوردان ایرانی در حال گفت وگو با یورو نیوز - الان | حرف‌ها، آتش

به دل می‌زند.

صاحب امتیاز: مصطفی خانزادی  
مدیر مسئول: سیدمحمدصادق خرازی  
مشاور مدیر مسئول: کاظم رهبر  
سردبیر: سرگه بارسقیان  
معاون سردبیر: سیدحمید متقی  
ناشر: گروه سرمایه‌گذاری دومان  
سیاسی: مهشید ستوده  
اقتصاد: حسین گنجی

ادب و هنر: حافظ روحانی  
دیدگاه: محمد معماریان  
جامعه: شاهرخ زبرست  
صفحه آخر: سیدحسین رسولی  
ایران: نسرين نیکانام  
نماه: حامد کاظمی  
عکس: رضا حسینی

مدیر انفورماتیک: مهدی توسلیان  
مدیر فنی-هنری: امین مریخی  
مسئول صفحه آرای: حامد صادقی  
مسئول ویراستاری: مهتاب محمدی  
حروفچینی: سوسن خامنه  
گروه بازرگانی وقایع اتفاقیه: ۰۵۲۰۸۸۶۲۹

نشانی: خیابان نلسون ماندلا (چردن) کوچه تور، پلاک ۵۲ | تلفن: ۰۵۶۷۵۰۲۲  
چاپ: هنر سرزمین سبز | توزیع: نشرگستر

## ستون موج نو

## شبکه اجتماعی شاملو در مطبوعات!



روی جلد کتاب جمعه

در هنگامه‌ای که بسیاری از بلندگوهای رسمی برخلاف قانون اساسی علاقه‌ای به گردش آزاد اطلاعات ندارند و شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام و اینستاگرام هم زیر تیغ فیلترینگ هستند، به‌راستی روزنامه‌نگاران چگونه می‌توانند ایفاگر نقش باشند تا مردم به‌واسطه نشریات مکتوب در فضای موجود به آگاهی برسند و توان برقراری دیالوگ و ابراز نظر درباره وقایع جاری کشور را داشته باشند؟ جالب است که بدانید نزدیک به چهار دهه پیش، احمدشاملو با خلاقیت خاص خود در روزنامه‌نگاری نشریه‌ای را منتشر و سردبیری کرد. که به‌نوعی توانست صدایی متفاوت در آن دوره به شمار آید. باری: «کتاب جمعه» عنوان هفته‌نامه‌ای بود که احمدشاملو را درگیر وارد هیات تحریریه‌ای کرد تا تجربه موفق این شاعر پرآوازه در عرصه مطبوعات پس از انقلاب نیز به‌منصه ظهور برسد.

شاملو در کتاب جمعه نه‌تنها هفته‌به‌هفته با سبک و سیاقی نو در حرفه روزنامه‌نگاری، آگاهی را در قالب مقالات سیاسی و فرهنگی به‌قلم جمعی از برترین نویسندگان معاصر کشور به مخاطبان عرضه می‌کرد بلکه گروهی از مترجمان شهر نیز در این نشریه متون متفکران صاحب‌نام جهان که پیش از انقلاب به‌دلیل ممنوعیت کمتر به آنها پرداخته‌شده بود را به چاپ می‌رساندند. در این‌بین شعر و گرافیک و همچنین داستان و نمایشنامه‌های ایرانی و بین‌المللی هم پای ثابت هر شماره این هفته‌نامه بود تا آگاهی در لوی هنر متعهد به‌خورد مخاطبان داده شود. شاملو به‌عنوان سردبیر کتاب جمعه، چنان در این مسیر موفق بود که تیراژ نشریه را به ۳۰ هزار نسخه رساند! اما نقطه عطفی که در سردبیری شاملو کامکان مورد بحث و نظر است برقراری دیالوگ با مخاطبان این نشریه بود یعنی در دورانی که هنوز اینترنت نقش در خبررسانی ایفا نمی‌کرد شاملو

توانست با ایجاد سیستمی پستی مخاطبان نشریه را مانند حضور در شبکه‌های اجتماعی فعلی دارای چنان ابتکار عملی کند که به‌راحتی به ابراز نظر مثبت و منفی بپردازند آن‌هم نه‌فقط درباره مطالب نشریه بلکه درباره رخدادهای پرتلاطم جامعه آن روزگار.

به‌طور مثال انتقادات تندوتیز برخی از مخاطبان کتاب جمعه به مواضع این نشریه نسبت به اشغال سفارت آمریکا و همین‌طور حمایت شاملو و جمعی از اعضای کانون نویسندگان ایران از این واقعه، سردبیر را مجبور کرد تا با نوشتن سرمقاله‌ای به انتقاد و پاسخگویی به منتقدانش بپردازد. در بخشی از این سرمقاله که آبان سال ۵۸ به چاپ رسید آمده است: «ما بر این باوریم که گوهر کار روشنفکری یک چیز است و گوهر فعالیت یک مبارز سیاسی یا یک انقلابی، چیزی دیگر».

بآنکه کتاب جمعه بیش از یک سال دوام نیاورد اما شیوه خلاقانه شاملو در روزنامه‌نگاری چنان روزنامه‌نگاران مستقل را در دهه‌های بعد متأثر از فرم و محتوای کتاب جمعه کرد که بی‌اغراق باید گفت نقش شاملوی ژورنالیست در شکل‌گیری روزنامه‌نگاری مستقل ایران را می‌توان همپای نقش شاملو شاعر در ترویج شعر نو ایران دانست: شیوه‌ای از روزنامه‌نگاری که نشریات کم‌رونق فعلی نیازمند اعمال آن هستند برای کارآمدی در جامعه.

# سامسونگ

## SAMSUNG

## ساندبار

## نسل جدید سینمای خانگی

### HW-K590



فقط با ضمانت **سام**  
۰۲۱-۸۲۵۵ سرویس